**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و یکم\_21 اسفند 1397**

نتیجه همه مباحثی که مفصل در مورد ادله حجیت خبر واحد داشتیم این می شود که سه تقریر از حجیت اخبار غیر متواتر می­توان داشت:

1. بگوییم از بین اخبار غیر متواتره خصوص روایاتی که سندا معتبره هستند حجت است، همینجا باز مبانی فرق می کند که ایا معتبر صحیحه فقط یا موثقه را هم شامل می شود، این بحث فرعی است، بالاخره معتبر از روایات غیر متواتره که سندا معبتر است و هذا ماقاله السید الخویی و قبل از ایشان هم سید مجاهد صاحب مدارک این مبنا را دارد خیلی هم ضیق­تر. مثلا ­می­گوید حتما باید صحیحه باشد.

این ها می­گویند این گونه روایات وثوق نوعی می آورد و بنای عقلا هم همین است که به اخبار آحاد عمل کنند.

1. که از بعضی دیگر از اصولیین استفاده می شود من جمله بیاناتی که از آقای سیستانی از ایشان عرض کردیم که ایشان می­خواند بفرمایند روایاتی که موثوق الصدور باشد، و صرف صحت سند وثوق به صدور نمی­آورد و صرف عدم صحت سند هم، باعث کنار گذاشتن روایت نیست، سند یک معیار است، باید متن روایت را با قطعیات کتاب و سنت سنجید، این هم مبنا و تقریر دوم.
2. که ما به آن اعتقاد داریم، این است که از بین روایات غیر متواتره روایاتی مدرک خواهد بود که اطمینان به حجیت آن روایات داشته باشیم، نه صرف اطمینان به صدور، چون چه بسا روایتی صادر شده باشد ولی حجت نباشد، آن­چه از روایات مورد اعتنا است، روایاتی است که فقیه اطمینان به حجیتش پیدا کند، به صورتی که قول و فتوای فقیه لا عن علمٍ نباشد تا بشود "و لا تقف ما لیس لک به علم". تا ظن و گواه واهی نباشد تا بشود "ان الظن لا یغنی من الحق شیئا". تا افترا به خدا نشود تا بشود " ا لله اذن لکم ام علی الله تفترون" حجت داشته باشد فقیه.

و این صغرای حجت فقط با سند به تنهایی حاصل شدنی نیست، سند معیار است نه تنها معیار، از خود منبع اصلی روایت باید شروع کرد تتبعات فهرستی انجام داد، اصلا کدام راوی اولیه این روایت را در کتاب خودش آورده است، کتاب او چه جایگاهی دارد، غیر از مباحث سندی و رجالی. در مراحل بعد این روایت در کدام یک از منابع روایی ما آمده است؟ کدام معتمده است یا غیر معتمده؟ این ها به روایت نمره می دهد. از همه این ها مهم تر آیا مضمون این روایت با قطعیات کتاب و سنت موافق است یا نه؟ آیا مضمون روایت با حکم قطعی عقل موافق است یا نه؟ و قرینه های دیگری که در مباحث پیشین اشاره کردیم.

یکی از این قرائن سنجش روایت است با فتوای قدماء از اصحاب، اعتقاد جدی بنده این است که اگر روایتی و لو صحیحة السند بود، اما مورد اعراض قدما اصحاب بود، نمی گویم روایت کلا از حجیت می افتد، می گویم یک نمره ضعفی است برای روایت، که چه بسا اگر در کنار نمره های ضعف دیگر قرار بگیرد روایت را از حجیت بیاندازد. این بیان با توجه به عرائض دیروز محکم­تر خواهد شد. چه این که قطعا ان ها از ما بیشتر روایت در دستشان بوده است، یک سری از کتاب ها و روایات در دست قدما بوده است که الان در دست ما نیست، نمی توان به سادگی از کنار این مطلب گذشت که آن ها روایت صحیحة السند را ببینند ولی فتوا به آن ندهند، این معلوم می­شود طبق یک ضوابط و خصوصیاتی بوده است و الا نه عدالت این ها اجازه می دهد که بگوییم خلاف حرف معصوم فتوا می دهند و نه علمشان اجازه می دهد که بگوییم این روایت را ندیده اند.

پس اعراض مشهور از یک روایت نمره منفی به روایت می دهد و لو همواره هم از حجیت نیاندازد،

کما این­که در مقابل اگر روایتی بود ضعیف السند ولی مشهور به آن روایت فتوا داده­اند این­جا از نظر ما دو صورت دارد؛

1. مستند به همین روایت، فتوا داده باشند، خب این جا یک قرینه­ایی که نمره متوسطه دارد(فتوا مشهور) اضافه می­شود به روایت ضعیفه که ان هم نمره اش به تنهایی مورد قبول نیست، با هم دیگر نمره قبولی میگیرند، از باب حساب احتمالات و تجمیع قرائن.

بله مگر این که قرائنی بر خلافش باشد، باید بسنجیم، قرائنی که مضعف باشد نمره را کم می­کند.

1. صورت دوم عمل مشهور، موافق یک روایت است نه بر استناد و اساس آن روایت ضعیفه، مضمون یکی است، اطمینان نداریم که فقها به این روایت استناد کردند . این جا دو قرینه از هم جدا را در کنار هم قرار می دهیم، یکی شهرت و دیگری آن روایت ضعیفه در حقیقت دیگر یقین نداریم شهرت عملیه است، می شود اضافه شهرت فتوائیه به یک روایت ضعیفه که این هم باز نمره­اش از قبلی کمتر است، ولی می تواند با جمع قرائن تقویت شود، اگر مضعفی در کار نباشد.

پس همه این ها باید بیاید طبق قاعده تجمیع قرائن صورت بگیرد،

فتحصل مما ذکرنا که ما وثوق به حجیت می خواهیم و در وثوق به حجیت حتی از قرائنی که به خودی خود نمره کمی دارند ما نمی گذریم، چون می­خواهیم این نمره­های کم را در کنار یکدیگر قرار دهیم، مهم برای ما وثوق به حجیت یک خبر است برای افتا و گفتیم بین وثوق به حجیت با وثوق به صدور تفاوت است.

آقای خویی در مصباح الاصول ص 235، در موسوعه جلد 47:

بقی فی المقام امر لابد من تعرض له :

1. آیا خبر ضعیف منجبر به عمل ضعیف می شود یا نه؟ ایشان می گوید مشهور این است ولی تحقیق خلاف این است.

خبر ضعیف لا یکون فی نفسه حجة علی الفرض و کذلک فتوا المشهور ... و انضمام غیر الحجة علی غیر الحجة فانما انضمام العدم علی العدم لا ینتج الا عدم.

تمام حرف (این بزرگواران) همین است . من در رجال آقای خویی شاهد دارم که ایشان ده تا روایت ضعیفه را کنار هم می­گذارد و می گوید همه این ها با هم دروغ نیست.

حق آن است که روایات ضعیفه این گونه نیست که عدم باشند، این ها نمره دارند هر چند نمره­شان کم است ولی در هر صورت عدم نیستند.

1. الامر الثانی؛ آیا خبر صحیح یا موثق با اعراض (قدما) ضعیف می شود یا نه؟ می گوید مشهور گفته اند بله و التحقیق عدم تمامیة ذلک ایضا،

اذ بعد کون الخبر صحیحا او موثقا موردا لقیام السیرة و مشمولا لاطلاق الادلة اللفظیه لا وجه لرفع الید عنه لاعراض المشهور عنه، نعم اذا تسالم جمیع الفقها علی حکم مخالف للخبر الصحیح الموثق فی نفسه یحصل لنا العلم او الاطمینان بانّ هذا الخبر لم یصدر من المعصوم او صدر عن تقیةٍ فیسقط الخبر المذکور عن الحجیة لا محالة

اما آن جایی که اجماعی بر خلاف نیست، -علما بر دو دسته اند مشهور و غیر مشهور، و غیر مشهور هم بر طبق همین روایت فتوا داده اند،- اعراض مشهور، کاسر روایت نخواهد بود.

این تمام حرف ایشان در این قسمت.

عرض بنده این است که ما همه ادله حجیت خبر واحد -متشکل از آیات و روایات و سیره- را مطرح کردیم، از هیچ کدام استفاده نشد که صرف صحت سند، صرف وثاقت راوی، حجیت درست می کند، کافی است.

ما وقتی می­بینیم از بین 100 فقیه گذشته، 80 فقیه، از یک روایت صحیحة السند اعراض می کنند، آیا این اعراض نمره آن روایت را کم می کند؟ ما روایت صحیحة السند داریم که غسل جمعه مجزی وضو است، مرسله ابن ابی عمیر می گوید مجزی نیست، چطور 80 درصد فقها مرسله را عمل می­کنند ولی صحیحه را می­گذارند کنار، خب این حداقل انسان را به شک می اندازد.

نتیجه الکلام تا روایات را از مسیر هایی مثل قرآن، سنت، عقل، سند، فتوای قدما و ... عبور ندهیم، قابل احتجاج نیست، قابل حجیت بالفعل بودن نیست، دو مطلب دیگر مانده است تا برسیم به بحث انسداد، آن دو مطلب که خیلی مهم است و آقای سیستانی هم به عنوان تنبیه بیان می کند که آیا اخبار با واسطه با اخبار بی واسطه فرق دارد یا نه؟ و بحث دوم این است که وثاقت راوی از کجا که با کلام رجالی ثابت می شود؟

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.